

تأثیرات گذار از دوره‌ی سنت به دوره‌ی مدرن بر سلسله‌مراتب فضای ورودی خانه‌های مسکونی شهر سنندج



خالد عزیززاده

دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

صلاح‌الدین مولانایی

استادیار، دانشگاه کردستان

نویسنده‌ی مسئول: s.molanai@uok.ac.ir

لیدا بلیلان اصل

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

چکیده

اواسط دوره‌ی قاجار تا دهه‌ی اول حکومت پهلوی، بخشی از معماری معاصر ایران است که دست‌خوش تغییرات دوران مدرنیته گردیده‌است. به مرور زمان، فرم‌ها و اشکال مدرن، سلسله‌مراتب فضایی خانه‌ها و کالبدشان را تحت تأثیر قرار داده و سبکی تلفیقی به وجود آورده‌است. بررسی اجمالی فضاها و اجزای اصلی خانه‌های سنتی شهر سنندج به خوبی سیر تحول این تغییر را نشان می‌دهد. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی سیر تحول سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنندج در دوران گذار از دوره‌ی سنت به دوره‌ی مدرن می‌باشد. پژوهش حاضر با رویکرد نظری و به روش تاریخی-تفسیری و تحلیل محتوا انجام می‌گیرد. بخش نظری با روش کیفی و با توجه به ادبیات نظری گردآوری شده؛ و معیارهای تأثیرگذار بر سنجش کیفیت‌های فضایی حاصل درگونه‌های مختلف ابنیه مسکونی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. همچنین بخش عملی پژوهش از طریق موردپژوهی در دو مرحله انجام پذیرفته‌است. از این حیث، چارچوب نظری در مرحله‌ی نخست، بررسی مختصر اجزای خانه‌های دوره‌ی سنت و مدرن، و همچنین، شناسایی خانه‌ها بر مبنای دوره‌های تاریخی، به واسطه مطالعات میدانی، برداشت، عکس‌برداری، ترسیم پلان خانه و بهره‌گیری از مدارک و نقشه‌های موجود، صورت گرفته‌است. در مرحله بعدی، کلیه ابنیه مسکونی حائز شرایط، جهت تحقیق و بررسی بر اساس داده‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از روش استدلال منطقی، مقایسه، تحلیل و شناسایی شده؛ و سلسله‌مراتب فضای ورودی خانه‌ها بر اساس رویکرد تحقیق، مورد تجزیه و تحلیلی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب ورود به خانه‌هایی با معماری قبل از دوره ناصری، متناسب و درخور با نیازهای ساکنان است که کمتر در اولویت توجه معماران دوره پهلوی قرار گرفته‌است. از این جهت، استفاده از فضاهای حد واسط و بینابینی در معماری، علاوه بر ایجاد محرمیت، می‌تواند تعریف درستی از فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی در خانه ارائه دهد و از درهم تنیدگی در کاربری و هویت دیگر فضاها جلوگیری کند؛ و در نهایت می‌تواند موجب ارائه الگویی برای ایجاد محرمیت شود؛ که اصلی جدانشدنی از هویت در معماری و فرهنگ ایرانی-اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: دوران گذار، سلسله‌مراتب فضایی، ورودی خانه، معماری قاجار، معماری پهلوی، سنت و مدرنیته



مقدمه

در طول تاریخ معاصر، از اوایل قاجار تا به امروز، اواسط دوره قاجار (دوره ناصری) تا اوایل دوره پهلوی، یکی از مهم‌ترین دوران در زمینه معماری و شهرسازی به شمار می‌رود. با بررسی معماری معاصر ایران می‌توان پی‌برد که نمونه‌های موجود در معماری این دوره بر اساس نوع شاخص‌ها به جریان‌ها و ویژه در معماری ایران وابسته است. طی دو قرن گذشته تحولات بسیاری در هنر و معماری ایران رخ داده‌است. معماری دوره ناصری تا پهلوی اول دوره انتقال یا گذار^۱ بین معماری سنتی (قاجاریه) و معماری مدرن مطرح می‌شود (کیانی ۱۳۸۳، ۲۵).

با ظهور انقلاب صنعتی در غرب و نفوذ ریشه‌هایی از فرهنگ مغرب زمین، جامعه سنتی ایران نیز به نوعی این رویداد جهانی و تحولات فکری جانبی آن را تجربه نمود و با سرعت و جهشی سطحی‌تر از آنچه در غرب در حال روی دادن بود؛ به تدریج به سوی جهان نوین گام برداشت. در دوره‌ی پهلوی روند تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور که از شروع حاکمیت محمدرضا پهلوی آغاز شده بود؛ سرعت بیشتری یافت و شهرهای کشور به‌عنوان پایگاه‌های گسترش مدرنیزاسیون تحولات زیادی یافتند. در بین کاربری‌ها و عملکردهای موجود شهر، خانه جایگاه خاصی داشته‌است که در این دوران متأثر از جو موجود دستخوش تغییراتی در شیوه‌ی ساخت گردید. با ورود مدرنیسم به ایران در دوران قاجار، نمود خود را در دگرگونی‌های سازه‌ای، کالبدی و فضایی -به‌عنوان نمادی از تجدد و تجددگرایی سطحی و دستوری- با گذار از معماری درونگرایی سنتی به معماری برونگرا نمایان ساخت (منتظر ۱۳۹۳، ۲).

نظر به اینکه بناهای مسکونی جزو اصلی‌ترین بناهایی هستند که در دوره‌های مختلف معماری ایرانی نقش اساسی داشته‌اند و معماران در طراحی آن‌ها از تحولات و رویکردهای معماری تأثیرگذار الگوبرداری کرده‌اند؛ بررسی سیر تحول خانه‌ها در یک محدوده‌ی جغرافیایی مشخص می‌تواند کمک شایانی به شناخت گرایش‌ها و رویکردهای تأثیرگذار بر معماری آن محدوده داشته باشد. خانه‌های سنتی ایران در دوره‌های مختلف تقریباً اجزاء اصلی خود را حفظ کرده‌اند؛ ولی می‌توان گفت که از اواسط دوره‌ی قاجار (دوره ناصری) با نفوذ چشمگیر تفکرات و رویکردها و گرایش‌های معماری غربی، تحولات اساسی در چیدمان فضاها، ساختار

عملکردی و نمای خانه‌های سنتی در ایران پدید آمد. بر این اساس چیدمان و سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنتی که تا آن زمان در کنار مسائل اقلیمی شهر سنج‌الزام به درونگرا بودن داشتند؛ با شروع روند تحول معماری خانه‌ها، به‌خصوص از دوره‌ی پهلوی اول، با رویکرد دیگری ساخته شدند. در مقاله‌ی حاضر سعی شده است با بررسی سیر تحول سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنج‌الزام از اوایل دوره‌ی قاجار تا دهه‌های اولیه‌ی دوره‌ی پهلوی، تغییرات اساسی خانه‌ها در این دوران کنکاش و عرضه شود. در این خصوص، اهداف مهم پژوهش حاضر را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

بررسی سیر تحول سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنج‌الزام در دوران گذار از دوره‌ی سنت به دوره‌ی مدرن.
برای بررسی بهتر اهداف پژوهش و مشخص کردن روند منطقی تحقیق می‌توان پرسش‌های اصلی پژوهش را اینگونه بیان کرد:
روند تحول سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنج‌الزام در دوره‌ی قاجار و پهلوی به چه صورتی بوده است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد نظری و به روش تاریخی-تفسیری و تحلیل محتوا انجام می‌گیرد. بخش نظری با روش کیفی و با توجه به ادبیات نظری گردآوری شده و معیارهای تأثیرگذار بر سنجش کیفیت‌های فضایی حاصل در گونه‌های مختلف ابنیه مسکونی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین بخش عملی پژوهش از طریق موردپژوهی در دو مرحله انجام پذیرفته است. از این حیث چارچوب نظری در مرحله‌ی نخست، بررسی مختصر اجزای خانه‌های دوره‌ی سنت و مدرن، و همچنین، شناسایی خانه‌ها بر مبنای دوره‌های تاریخی، به واسطه مطالعات میدانی، برداشت، عکس‌برداری، ترسیم پلان خانه و بهره‌گیری از مدارک و نقشه‌های موجود، صورت گرفته‌است. در مرحله بعدی کلیه ابنیه مسکونی حائز شرایط، جهت تحقیق و بررسی بر اساس داده‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از روش استدلال منطقی، مقایسه، تحلیل و شناسایی شده و سلسله مراتب فضایی ورود به خانه‌ها بر اساس رویکرد تحقیق، مورد تجزیه و تحلیلی قرار گرفته‌اند.

زارعی، و هنر و معماری سنندج از آغاز تا پایان قاجاریه، نوشته‌ی بلال شانواز اشاره کرد. همچنین تعدادی مقاله به صورت کلی به بررسی برخی از خانه‌های سنندج پرداخته‌اند که در جدول ۱ شرح داده شده‌است.

ادبیات پژوهش

در خصوص مطالعه و بررسی خانه‌های سنندج در دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان تنها به دو کتاب تحت عناوین آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان نوشته‌ی ابراهیم

جدول ۱. پیشینه تحقیق در خصوص مطالعات پیرامون خانه‌های سنندج (تدوین شده توسط نگارندگان)

عنوان اثر	نوع	نویسنده	رویکرد
آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان	کتاب (۱۳۹۲)	ابراهیم زارعی	به معرفی استان کردستان از حیث آثار تاریخی موجود در آن، خانه‌های تاریخی، ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی آن پرداخته است.
هنر و معماری سنندج (از آغاز تا پایان قاجاریه)	کتاب (۱۳۹۴)	بلال شانواز	به اهمیت و جایگاه کردستان در تاریخ و جغرافیای ایران پرداخته است؛ و همچنین تلاش شده تا دستاوردهای معماری سنندج در جریان تاریخ تبیین و تشریح شود و به بازشناسی مسئله اصلی در زمان قاجاریه می‌پردازد.
معرفی سه خانه به سبک معماری درون‌گرا در دوران صفوی و قاجار در شهر سنندج	مقاله (۱۳۹۰)	ابراهیم زارعی	به خانه‌های آصف، مشیردیوان و ملالطف‌الله پرداخته است. در متن مقاله، اطلاعاتی از تاریخچه، سازندگان و کالبد بنا ارائه می‌دهد که بیشتر اطلاعات توصیفی هستند؛ ذیل توصیف هر یک از این خانه‌ها، فضاهای تشکیل‌دهنده‌ی آنها نیز معرفی شده و مطالبی درخصوص تغییرات کالبدی در فضای خانه‌ها در طی زمان هم آمده‌است.
بازخوانی الگوهای خانه‌های بومی و سنتی سنندج و میزان کارکرد آن با اقلیم (نمونه موردی: خانه احمدزاده و خانه آصف)	مقاله (۱۳۹۶)	سارا سلیمانی، صلاح‌الدین مولانایی، مرتضی سلیمانی، و نرگس فتاحی	به بررسی ویژگی‌های معماری دو خانه‌ی آصف و خانه‌ی احمدزاده و میزان استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر همچون جریان هوا، نور، حرارت آفتاب و... در ساخت‌وسازها و همچنین میزان گرایش به محیط طبیعی اطراف، پرداخته‌اند. در این مقاله ابتدا ویژگی‌های اقلیمی مناطق سرد و کوهستانی سنندج و شرح کلیات و جزئیات اقلیمی این دو بنای شاخص را بررسی نموده؛ و از این طریق ارتباط معماری گذشتگان در جهت استفاده بهینه از انرژی پایدار محیط و بهره‌گیری این نوع انرژی را در ابنیه امروزی مورد توجه بیشتری قرار داده شده‌است.
عمارت آصف (خانه کرد) موزه مردم‌شناسی کردستان	مقاله (۱۳۸۳)	ابراهیم زارعی	شرح و توصیف نسبتاً مفصلاً از خانه آصف ارائه داده است که شامل بیان تاریخچه، معرفی بعضی از سازندگان، تغییرات انجام شده در طول زمان در بنا، شرح قسمت‌ها و فضاهای مختلف خانه است. در اینجا توضیحات نویسنده با تصاویر مفصل تری همراه شده است که درک مطالب گفته شده را آسان‌تر می‌کند.
تأملی در صورت معماری خانه‌های قاجاری سنندج	رساله (۱۳۹۳)	وحید کلیایی	محقق به معماری خانه‌های قاجاری سنندج پرداخته است؛ بدین ترتیب که در نگاهی کلی‌تر، صورت و اندام کلی خانه‌ها شامل اندازه خانه‌ها، شکل کلی و جهت خانه‌ها، نحوه انتظام فضای باز و بسته و سیمای بیرونی خانه‌ها، سپس در مقیاسی جزئی‌تر، موضوع «سازمان‌دهی عرصه‌ها و ترکیب فضاها» را در دو باب بررسی کرده‌است. باب اول در مورد عرصه‌ها، مرتبه‌بندی آنها و نیز موقعیت آنها در هم‌نشینی با حیاط و باب دوم به بررسی ساختار درونی عرصه‌ها اختصاص دارد.
ویژگی‌های معماری و آرایه‌های عمارت خسروآباد سنندج	مقاله (۱۳۹۰)	ابراهیم زارعی	به سابقه تاریخی، روند شکل‌گیری، تغییر در ساختار معماری، تزئینات وابسته به معماری و تاثیرگذاری عمارت خسروآباد بر سایر خانه‌های شهر سنندج پرداخته‌است.

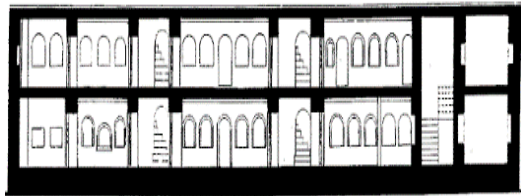
پرداخته شده است. نوشتار حاضر بر آن است تا با تامل در معماری خانه‌های شهر سنندج در بستر تاریخی مورد هدف پژوهش، عناصر و اجزای اصلی خانه‌های سنندج از اوایل دوره‌ی قاجار تا دهه‌های

در پژوهش‌های پیشین انجام شده در زمینه شناخت معماری ابنیه تاریخی سنندج، همانگونه که اشاره شد؛ بیشتر به معرفی خانه‌های تاریخی شهر به صورت کلی و محدود به یک یا چند خانه خاص



قرارگیری جلوخان و پیش‌ورودی، ورودی، هشتی، دالان و راهرو و حیاط و سپس سایر فضاهای عملکردی در پیوند با حیاط، نشان از الگویی مشابه در خانه‌های سنتی ایرانی است که تداعی‌گر اصل سلسله‌مراتب است (سیفیان و دیگران ۱۳۸۶، ۹).

۲. دوره‌ی معماری التقاطی یا اکلکتیک (سرآغاز مدرنیته دوران ناصری): معماری اکلکتیزم یا سبک بینابینی که در این پژوهش با اصطلاح معماری التقاطی از آن سخن گفته می‌شود؛ به همان اندازه که در بستر ظهور خود با تمایلات به وام‌گیری از سبک‌های مختلف و معماری سرزمین‌های مختلف به صورت گزینشی همراه بود؛ در سرزمین‌های شرقی نیز در جهت تأمین آرمان‌های زیبایی‌شناسانه به اقتباس از معماری غرب منجر شد؛ و البته این وام‌گیری به صورت غیرمستقیم و با گذر از سرزمینی به سرزمین دیگر ممکن می‌نمود و تنها از طریق تلفیق با ویژگی‌های معماری خودی می‌توانست راه را هموار سازد (محمدزاده چیاپه ۱۳۹۴). این دوره از اواسط قاجاریه یا به طور مشخص‌تر از دوره‌ی ناصری شروع می‌شود. هجوم عناصر جدید به معماری ایرانی در دو شاخه‌ی مختلف تزئینات و ساختار فضایی که در معماری خانه‌های ایرانی ارزش خاصی یافت. همچنین برونگرایی که در پی تغییر فکری، فرهنگی، و اقتصادی ایجاد شد (حق‌جو و دیگران ۱۳۹۷، ۱۲۴).



تصویر ۲. برش خانه ملک‌التجار، دوره‌ی ناصرالدین قاجار

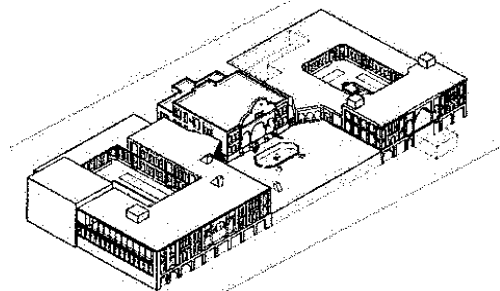
دوره‌ی معماری معاصر (پهلوی اول): دوران پهلوی اول را می‌توان دوران رسوخ و تداوم اندیشه انتقادی و مدرنیته در ایران تلقی نمود. (فلامکی ۱۳۷۱، ۲۶). معماری دوره‌ی پهلوی اول ترکیبی از معماری دوره‌ی قبل یعنی معماری اواخر قاجار و شیوه‌ی معماری نئوکلاسیک غرب، گرایش‌های متنوع معماری متأثر از آرت نوو و به‌خصوص شیوه معماری اوایل مدرن و ادامه آن در اواخر دوره‌ی مذکور در شیوه معماری مدرن نیز رواج پیدا کرد. (پاکدامن ۱۳۷۶). مهم‌ترین خاصیت معماری این دوره این است که

اول دوره‌ی پهلوی به صورت قیاسی مورد بررسی قرار گیرد و گامی در جهت روشن‌تر شدن سیر تحول سلسله‌مراتب ورود به این خانه‌ها در دوران گذار از دوره‌ی سنت به دوره‌ی مدرن برداشته شود.

مبانی نظری

گذار از سنت به مدرنیته

نمی‌توان معماری دوره‌های مختلف، به ویژه دوره‌های متوالی را به طور کامل از هم جدا کرد. تغییرات در معماری به تدریج رخ می‌دهند و کم‌کم به صورت عناصر خاص هر دوره، خود را در قالب سبکی جدید نشان می‌دهند. با مطالعه‌ی کتب و مقالات مختلف در زمینه‌ی بررسی سیر تحول خانه‌های سندج، به‌خصوص در دوره‌ی قاجار و پهلوی، می‌توان گونه‌بندی خانه‌های سندج در طول این دو دوره تاریخی را به سه دوره‌ی معماری کلی تقسیم کرد. به عبارتی دیگر می‌توان طیف دوران گذار از سنت به مدرنیته را از طریق بیان این سه دوره تشریح کرد.



تصویر ۱. دید پرنده خانه وکیل‌الملک، ساخت در دوران افشاریه، زندیه و قاجاریه

دوره‌ی معماری سنتی: معماری این دوره در ادامه‌ی معماری سنتی دوره‌های تاریخی ایران تا قبل از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجار (دوره‌ی میانی حکومت قاجاریه) است. در معماری خانه‌های سنتی عرصه‌ها به‌طور مشخصی از هم تفکیک شده‌اند و نمود آن در مقیاس کلان یا به صورت ایجاد بخش‌های اندرونی و بیرونی و حیاط‌های متعدد با ورودی‌های جدا از هم است و یا در مقیاس خرد از طریق روابط فضاهای داخلی و یا ساخت عناصر نیمه‌تثبیت‌شده مانند دیوار مشبک و شیشه رنگی یا مات که از دسترسی و یا دید مستقیم جلوگیری می‌کند. نکته بسیار مهم در ارتباط با سلسله‌مراتب در معماری سنتی، پیوستگی فضایی است.

کامپنسی معتقد است که برای برخی افراد، محرمیت با هدف جلوگیری از تماس یا مجاورت با افراد دیگر بدون رضایت تبدیل شده‌است. نیول نیز محرمیت را شرایط موقتی و داوطلبانه‌ی جدایی از فضای عمومی تعریف می‌کند. این عبارت با واژه «انزوا»، پیوند داشته و با مفاهیم اشتراکی، عمومی و اجتماعی متضاد است (گورجیو^۲ ۲۰۰۶).

نکته بسیار مهم در ارتباط با سلسله‌مراتب در معماری سنتی، پیوستگی فضایی است. قرارگیری جلوخان و پیش‌ورودی، ورودی، هشتی، دالان و راهرو و حیاط و سپس سایر فضاهای عملکردی در پیوند با حیاط، نشان از الگویی مشابه در خانه‌های ایرانی است که تداعی‌گر اصل سلسله‌مراتب است. اصل سلسله‌مراتب سبب ایجاد قلمروهای فضایی با تنوع کارکردی می‌گردد. میان قلمروهای مختلف فضایی باید طیفی برای گذار ایجاد شود و حرکت آبی از یک قلمرو فضایی به قلمرو دیگر، غالباً نامطلوب است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶، ۸).

در خانه‌های قدیمی ایرانی هیچ‌گاه به شکل مستقیم از خیابان وارد فضای داخلی خانه نمی‌شویم. همیشه یک معبر که به آن دربند می‌گوییم؛ فضای حائلی بین خیابان و خانه برقرار می‌کند. پس از آن وارد سربند خانه می‌شویم. سپس به دالان یا هشتی می‌رسیم و بعد از آن پا به حیاط می‌گذاریم. فضاهایی که کمتر جنبه خصوصی دارند؛ در مناطق ابتدایی حیاط ساخته شده‌اند؛ و اتاق‌هایی که قلمرو خصوصی محسوب می‌شوند؛ در انتهای منزل واقع شده‌اند. سلسله‌مراتب در خانه سبب انسجام و تمایز عرصه‌های آن می‌شود. پیوستگی و انسجام هر دو از طریق فضاهای واسطه حاصل می‌شوند. در خانه‌های سنتی، هر جز از فضا در عین برخورداری از استقلال و تعریف مشخص، با یکدیگر ترکیب گشته‌اند تا جزءفضاها را در درون سازمان فضایی تشکیل دهند و جزءفضاها نیز کلیت فضایی را تشکیل دهند. در خانه ایرانی، نحوه ساخت دیوار و جانمایی در و پنجره‌ها به گونه‌ای بود که امکان ترکیب فضا با فضای مجاورش از یک یا چند جبهه فراهم می‌شد. این امکان به واسطه وجود فضاهایی به نام بینابینی (حریم) بوده‌است. یکی از اصلی‌ترین وظایف فضای بینابینی کنترل قلمرو و مالکیت است (حائری مازندرانی ۱۳۸۸، ۹۱). فضای بینابینی وجودی است که در ابتدا ساخته می‌شود و بخش‌های مختلف فضاهای داخل از این طریق با فضاهای خارجی مرتب می‌شوند

پلان آن‌ها، برگرفته از نقشه‌های غرب می‌باشد. استقرار بنا در یک سوی زمین، روی آوردن از درون‌گرایی به برون‌گرایی و استفاده از طبقات از جمله ویژگی‌هایی است که معماری این دوره داراست. همچنین پنجره و بالکن به‌عنوان یک پدیده‌ی کاملاً وارداتی در این دوره به شدت در عملکرد خانه‌های شخصی و کاربرد اجتماعی قرار می‌گیرد. تزئینات در معماری این دوره هرچند ساده، مختصر و متحول شده است؛ هنوز نگاه در گذشته دارد (فسایی ۱۳۷۸).

گذار از یک فضا به فضای دیگر: سلسله‌مراتب یکی از اصول حاکم بر مجموعه‌ها، اجزا و پدیده‌هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به‌عنوان یک کل وجود دارند؛ و یا به دست انسان طراحی و ایجاد می‌شوند و با توجه به آنکه اصولاً هستی موجودات در کائنات تابع سلسله‌مراتبی متفن و تعریف شده‌است؛ نقش غیرقابل انکار آن در تعریف اجزای کل یک مجموعه و هویت‌بخشی به آن‌ها قابل ذکر است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶، ۸).

یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار خانه‌های سنتی ایرانی، خصوصیت درون‌گرایانه آنان است؛ که ریشه عمیق در مبانی و اصول فکری اجتماعی و فرهنگی ایران دارد. یکی از این مبانی محرمیت است که از مهم‌ترین دلایل رعایت سلسله‌مراتب در معماری سنتی می‌باشد و با بهره‌گیری از این اصول شکل‌گیری ارزش‌هایی هم چون امنیت، آرامش و خلوت در ابنیه سنتی مشاهده شده است. در معماری خانه‌های ایرانی عرصه‌ها به‌طور مشخصی از هم تفکیک شده‌اند و نمود آن در مقیاس کلان یا به صورت ایجاد بخش‌های اندرونی و بیرونی و حیاط‌های متعدد با ورودی‌های جدا از هم است و یا در مقیاس خرد از طریق روابط فضاهای داخلی و یا ساخت عناصر نیمه‌تثبیت‌شده، مانند دیوار مشبک و شیشه رنگی یا مات که از دسترسی و یا دید مستقیم جلوگیری می‌کند (شاهینی، صادقی و مهدی‌زاده ۱۳۹۳).



تصویر ۳. خانه احمدزاده، دوره پهلوی اول

- پرهیز از یکپارچه کردن فضاها یا از میان بردن مرزها؛
- داشتن ویژگی‌ها و تمایزات کمی و کیفی هر فضا برای متمایز شدن و تفرد در بین فضاهای دیگر (نقره‌کار ۱۳۸۷).
سلسله‌مراتب فضاهایی خانه‌های سنتی را می‌توان به دین ترتیب تقسیم‌بندی کرد: فضاهای نیمه‌عمومی شهری، فضاهای عمومی خاص یک گروه (هشتی)، فضاهای خصوصی خانوادگی (حیاط) و فضاهای خصوصی افراد (اتاق‌ها).

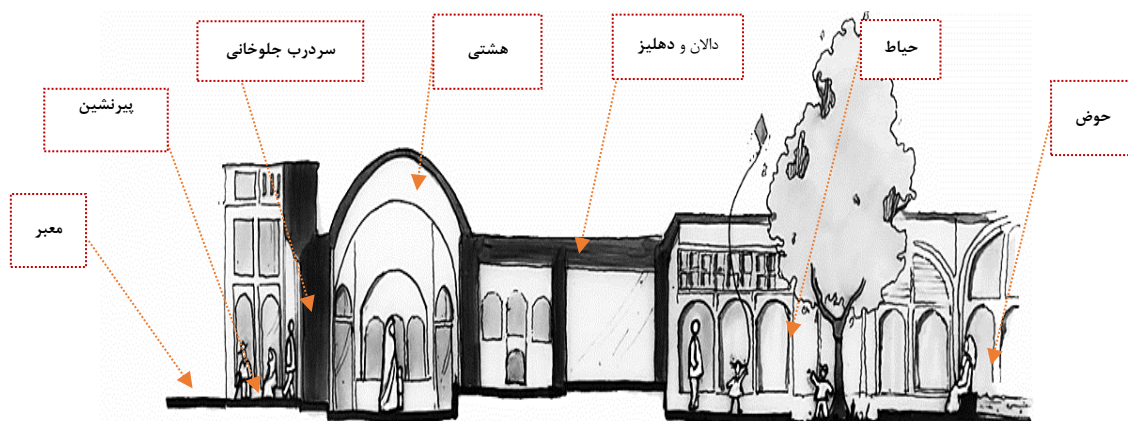
ورودی خانه‌های سنتی: در معماری خانه‌های سنتی ایرانی علاوه بر آنکه درون این خانه‌ها از بیرون آن قابل دید نیست؛ ورودی بسیاری از خانه‌ها به نحوی ساخته شده است که اگر در خانه نیز باز بماند؛ حیاط و درون خانه به هیچ وجه قابل مشاهده نباشد. در معماری فضای ورودی خانه‌های سنتی، تمام اصول ترکیب کالبدی از جمله اصل سلسله‌مراتب، اصل تقارن و اصل درونگرایی به صورتی کامل به اجرا درمی‌آید؛ بدین ترتیب ورودی خانه‌ها فضایی شاخص، متقارن، غیرمستقیم و تنها بخشی از نمای بیرونی خانه‌ها بود که غالباً تزئین می‌شد (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۱۴۶). ورودی خانه‌های سنتی دارای اجزا و ترکیبات تقریباً واحدی چون پیش طاق، سکو، درگاه، در، سردر، هشتی و دالان بود (هاشمی ۱۳۷۵، ۲). این اجزا در کنار هم سلسله‌مراتب ورودی به خانه را تشکیل داده و بدین ترتیب محرمیت فضای درون خانه را برای ساکنان تأمین می‌کرده است. در تصویر ۴ توجه به عدم دید مستقیم از ورودی به حیاط و فضاهای داخلی خانه را که برای حفظ حریم خصوصی در برابر افراد غریبه در معماری خانه مشیردیوان رعایت شده است؛ مشاهده می‌گردد.

(نورالدین^۳ ۱۹۹۸). همچنین فضای بینابین یعنی لحظه تغییر از فضایی به فضای دیگر، از عملکردی به عملکرد دیگر، و... این تغییر نیازمند آستانه است تا بروز کند. به عبارت دیگر آستانه، ابزار تغییر است (راماسوامی^۴ ۲۰۰۵).

در شکل‌گیری یک بنای معماری اصل سلسله‌مراتب فضایی است که موجب شکل دادن به قلمروهای فضایی با کارکردهای متمایز می‌گردد و حریم‌بندی‌های فضایی را به وجود می‌آورد. آنگاه که عناصر یک بنا به قلمروهای متفاوت با کالبد و عملکرد متمایز از یکدیگر تقسیم شود؛ اساساً انتقال و گذر از قلمروی به قلمرو دیگر به صورت لحظه‌ای و بدون ایجاد شرایط لازم اعم از روانی و فیزیکی نامطلوب است؛ و می‌توان گفت عدم رضایت حریم‌ها و تداخل نامناسب قلمروها و یا استخدام ویژگی‌های مشابه و یکسان کالبدی و فضایی برای دو قلمرو با عملکرد متفاوت از مطلوبیت کیفی فضا می‌کاهد و اینجاست که نقش پررنگ سلسله‌مراتب در حریم‌بندی و ایجاد فضای رابط میان دو قلمرو پررنگ‌تر می‌گردد (اردلان و بختیار ۱۳۸۰).

در معماری سنتی ایران هر فضا هویت ویژه خود را داراست. از هنگام ورود به فضا بخش‌های مختلف به دنبال هم قرار گرفته‌اند تا با ایجاد سلسله‌مراتب فضایی مناسب به کالبد مجموعه شکل دهند. این امر بدین گونه در معماری سنتی ما انجام پذیرفته است:
- مرزبندی فضاها با کالبدهای تعریف شده و روشن بودن مرز میان فضاها؛

- بهره‌گیری از فضاهای واسط و فاصله انداز به نام «میاندر» میان فضاهای اصلی؛



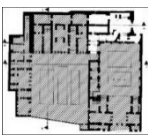
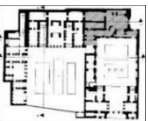
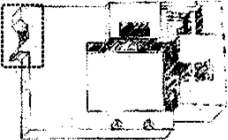
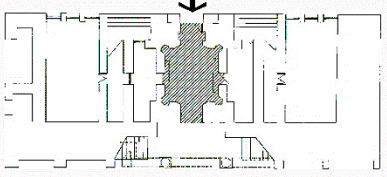
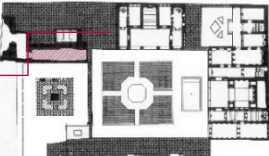
تصویر ۴. رعایت سلسله‌مراتب فضایی در ورودی به خانه مشیر دیوان و توجه به نداشتن دید مستقیم به حیاط (ماخذ: نگارنده)

بر اساس آنچه عنوان شد؛ در این مقاله سعی بر آن است که سلسله مراتب فضایی ورود به خانه، بر اساس نحوه‌ی دسترسی و گذر از ورودی به اتاق پذیرایی مهمان بررسی و مطالعه گردد تا جایگاه و چیدمان این دسترسی در میان فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی خانه مورد کنکاش قرار گیرد.

معرفی تصویری اجزای خانه سنتی ایرانی: یک خانه‌ی کهن در ایران که اغلب دارای دو بخش تابستان نشین (شامل اندرونی و بیرونی) و زمستان نشین (شامل اندرونی و بیرونی) است؛ از بیرون و گذر تا درون، دارای اندام‌هایی است که نام آن‌ها در شناخت سلسله مراتب فضایی خانه اهمیت دارد. در جدول ۲ به معرفی اجزای سلسله مراتب فضای ورودی خانه سنتی ایرانی با مثال‌های تصویری از خانه‌های سنندج پرداخته می‌شود.

کریستوفر الکساندر در الگوی شماره ۱۲۷ خود - که به گردادیان صمیمت معروف است - مطرح می‌کند که در هر ساختمان توجه به سلسله مراتب فضای عمومی به خصوصی بسیار با اهمیت است. در هر ساختمان، مردم نیاز به تنظیمات دارند که با توجه به درجات مختلف صمیمیت شکل گرفته است. اتاق خواب یا خلوت صمیمی‌ترین فضا است که به ترتیب بعد از آن فضاهای عمومی‌تری نظیر اتاق مطالعه، فضای نشیمن و آشپزخانه، فضای پذیرایی و در نهایت ورودی خانه که عمومی‌ترین بخش خانه است؛ قرار دارند. زمانی که همچنین گردادیان وجود داشته باشد؛ مردم می‌توانند در موقعیت‌های مختلف به دقت رفتار کنند. الکساندر معتقد است که فضاهای داخلی و خارجی یک ساختمان را باید به نحوی طراحی کرد که با یک ورودی شروع شود؛ به عمومی‌ترین بخش آن رسید؛ و سپس به حریم‌های خصوصی و بالاخره به خصوصی‌ترین مناطق رسید (الکساندر ۱۳۸۹).

جدول ۱. معرفی تصویری اجزای خانه سنتی ایرانی (ترسیم جدول از نگارنده)

نام جزء	تعریف جزء	تصویر جزء
اندرونی Andarūni	بخشی از خانه که مخصوص زن و فرزندان، خدمتکاران و اهل خانه بوده است. ارتباط این بخش با ورودی خانه، طی سلسله مراتبی صورت می‌گرفته است که محرمیت اهل خانه حفظ شود (مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵، ۱۱).	 برش افقی طبقه اول، اندرونی، خانه سالار سعید، سنندج، قاجار.
بیرونی Birūni	بخشی از خانه که مخصوص افراد غیر از ساکنین خانه است. در خانه‌های بزرگ بخشی است که مخصوص اقامت روزانه مردان و مهمانان و انجام کارها است (همان).	 برش افقی طبقه اول، اندرونی، خانه سالار سعید، سنندج، قاجار.
آستانه Āstāneh	درگاه، پیشگاه، کریاس، قسمتی از خانه که در آغاز ورود دیده شود. قدمگاه ورودی، قسمت پیشین اتاق به در، بخشی از چارچوب که در پایین چارچوب قرار دارد و ممکن است از جنس‌های مختلفی مثل سنگ یا چوب ساخته شود (همان).	 اسکیس دید پرنده، عمارت آصف، سنندج، صفویه.
هشتی Hāшти	هشتی فضایی است که بعد از سردر قرار دارد و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. این فضا و راهروهای غیرمستقیم منتهی به حیاط داخلی، مانع دیده حریم خانه شده است. ایجاد مکث، تقسیم فضایی از عملکردهای این فضا می‌باشد. در فضای هشتی، عناصر مختلفی مانند سکو، چراغ‌دان و پله‌ای برای رفتن به اتاق بالای هشتی (فرور) در نظر گرفته می‌شده است (پیرنیا ۱۳۹۰، ۱۶۰).	 هشتی، بخشی از عمارت خسروآباد، سنندج، قاجار.
دالان Dālān	دالان فضای سرپوشیده و کشیده‌ای است که معمولاً معبر است. همچنین به راسته کوتاه و باریک و سرپوشیده‌ای که آغاز و انجام مشخصی دارد نیز دالان می‌گویند. محل قرارگیری آن در خانه، میان هشتی و میان سرا است (مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۳، ۱۱).	 دالان ورودی، عمارت آصف، صفویه



ادامه جدول ۲. معرفی تصویری اجزای خانه سنتی ایرانی (ترسیم جدول از نگارنده)

نام جزء	تعریف جزء	تصویر جزء
حیاط Hayāt	میان‌سرا یا صحن، بخش سرگشاده میان خانه که فضاهای دیگر بدان باز می‌شوند (عمرانی‌پور ۱۳۸۴، ۱۳۶).	 حیاط مرکزی عمارت مشیر دیوان، سنندج، قاجار
ایوان Eyvān	ایوان فضای نیم‌بازی است که معمولاً از سه طرف بسته و از یک طرف مشرف به فضای باز است (مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵، ۱۱).	 ایوان خانه وکیل، سنندج، افشاریه و زندیه.
تالار Tālār	تالاری است که قاعده‌اش به شکل چلیپا باشد. این شکل معمولاً حاصل وجود عناصری چون بادگیر و کفش‌کن و پستو در چهار گوشه تالار است. تالار دارای فضای بسته، مرتفع و مجلل و با قاعده‌ای مستطیل شکل است. در خانه‌ها معمولاً ضلع بزرگ تالار مجاور حیاط است و ارسی دارد. از این فضا معمولان برای پذیرایی مهمانان استفاده می‌گردید (مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۳، ۱۱).	 تالار، برش افقی طبقه اول، عمارت مشیر دیوان، سنندج، قاجار.

شیوهی انتخاب نمونه

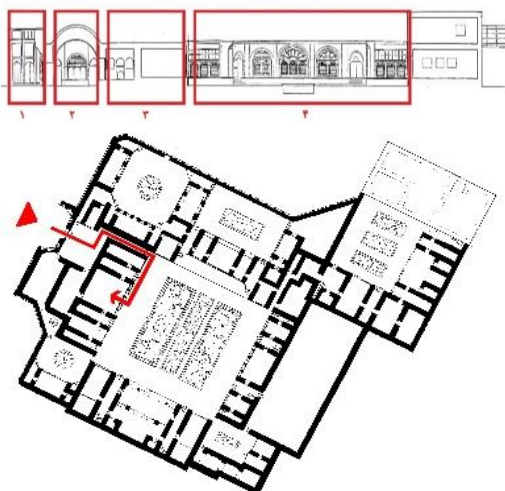
تحلیل و بررسی آثار معماری در یک دوره زمانی به خصوص، چندان دقیق نیست؛ چراکه معماری و شکل‌گیری کالبد مادی آن در جریان پیوسته ایجاد می‌شود و از این رو نحوه نگرش به معماری معاصر ایران، که رویکردی سامانه‌ای و منجمد در زمان معین است؛ نمی‌تواند کافی باشد. بر این اساس در این مقاله سعی بر آنست که ضمن آنکه به معماری در دوره گذار بیشتر توجه شود؛ نگاهی به گذشته و چشم‌انداز آینده آن دوره هم مورد نظر قرار گیرد. در این پژوهش چندین بنای تاریخی در شهر سنندج مورد مطالعه قرار گرفته است که مربوط به دوران قاجار و پهلوی و در بین آنها تعدادی از بناها در دوران قبل از قاجار ساخته شده که هدف از بررسی آن‌ها درک بهتر از معماری سنتی است. بعد از انجام مطالعات میدانی بر روی این بناها، ۱۲ بنا به‌عنوان نمونه مطالعاتی در این مقاله جهت بررسی سیر تحول سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنندج در دوران گذار از دوره‌ی سنت به دوره‌ی مدرن، انتخاب گردیده‌است. گرچه خانه‌های متعلق به این دوران، در شهر سنندج از این تعداد بیشتر است؛ اما ۱۲ بنای مذکور طوری انتخاب شده‌اند که اولاً مهم‌ترین بناهای تاریخی شهر را شامل می‌شوند؛ و ثانیاً از حیث سبک معماری متنوع هستند؛ و به

همین خاطر می‌توان آنها را نمونه‌های خوبی از خانه‌های موجود دانست. با توجه به تنوع این ابنیه از یک سو و گستردگی مطالعه‌ی که به بهانه‌ی این پژوهش راجع به دیگر بناهای تاریخی شهر انجام شده است از سوی دیگر، نتایج حاصل شده از این پژوهش را می‌توان در بسیاری از بناهای تاریخی موجود، شهر قابل تعمیم دانست. با این وجود در مقاله‌ی حاضر به هیچ وجه ادعای تعمیم نتایج به همه بناها مطرح نیست و سخنان گفته شده منحصر به ابنیه‌ی منتخب است.

بررسی چیدمان فضایی

با توجه به این تقسیم‌بندی، نمونه‌هایی از خانه‌های سنندج را در هر دوره می‌توان بررسی و تحلیل کرد. در ادامه مطالعه‌ی نمونه‌هایی از خانه‌های سنندج با استفاده از تصویر و مشخصات معماری با نقشه و توضیحات کلی در مورد تاریخ بنا و مشخصات عمومی خانه‌ها در هر بخش عرضه خواهد شد. عناصر و اندام‌ها اصلی مطرح شده در مبحث پیشین، در هر یک از خانه‌ها مطالعه و سیر تحول یا تغییرات در سلسله‌مراتب فضایی در خانه‌های دوره‌های سه‌گانه بررسی و در آخر این بخش در قالب یک جدول کلی ارائه شده است.





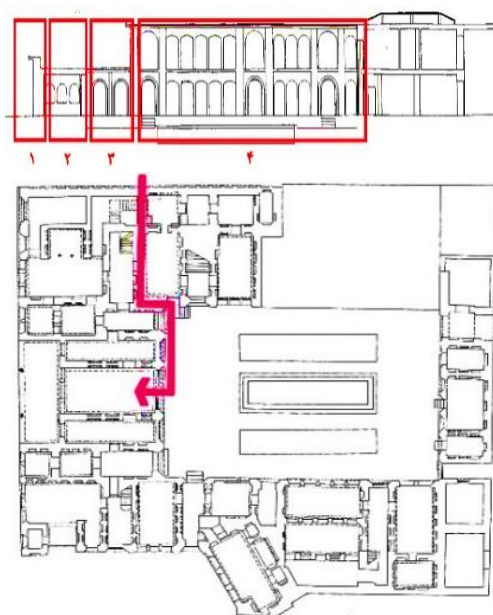
تصویر ۶ سمت راست: برش خانه مشیر دیوان،
 ۱: سردرب جلوخانی، ۲: هشتی، ۳: دهلیز (دالان)، ۴: حیاط بزرگ.
 سمت چپ: پلان خانه مشیر دیوان، سلسله‌مراتب ورود به خانه

خانه آصف: براساس نقل‌قول‌های مختلف احداث بنای اصلی عمارت آصف که به تالار تشریفات معروف است؛ احتمالاً مربوط به دوران صفویه است که در دوره‌های بعدی به‌ویژه در دوران قاجار و پهلوی به تدریج بخش‌هایی به آن افزوده شده است. این ساختمان دارای چهار حیاط که به ترتیب عبارتند از بیرونی، اندرونی، حیاط مطبخ، و حیاط اصطبل؛ که دو حیاط آن سالم مانده و یکی از آن‌ها تخریب شده است. سردر ورودی بنا با نمای آجری - که به شکل نیم‌هشتی است - متأثر از سبک باروک ساخته شده است. در پشت سردر ورودی و متصل به آن هشتی مستطیل شکل دیده می‌شود. در ادامه‌ی آن دالانی دراز قرار گرفته است. راه دسترسی به مجموعه عبور از سردر، هشتی و دالان بوده است.

خانه مشیر دیوان: خانه مشیردیوان واقع در خیابان شهدای شهر سنج، در اوایل دوره قاجاریه ساخته شده است. این بنا دارای هفت حیاط می‌باشد؛ و هر حیاط دارای آبنا با طرح متعدد و جدای از یکدیگر اجرا شده است. ابتکار در صنعت گره‌چینی چوب و اروسی‌سازی به نحو چشمگیر در فضاهای باز شو و دعوت‌کننده و حد فاصل فضاهای بسته و نیمه‌باز و باز توسط استادکاران سنندجی انجام یافته است؛ و در مجموع تفکیک‌سازی بر اساس شئون اسلامی می‌باشد. سردرب ورودی با اجرای سکوی متعدد و قرینه که اصطلاحاً «سردرب جلوخانی» عنوان می‌شد وجود

جدول ۳. ابنیه مورد مطالعه در این مقاله از نظر دوره و محل ساخت

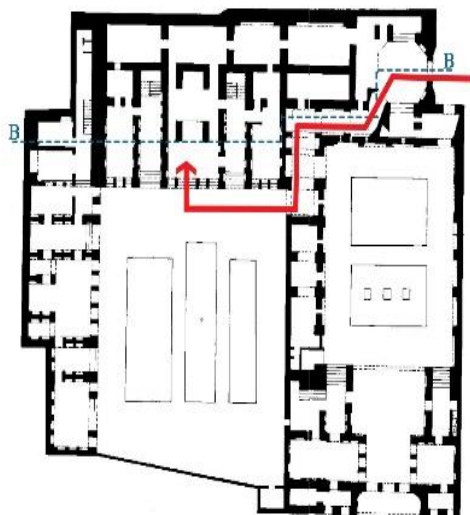
ردیف	نام ابنیه	دوره ساخت	ردیف	نام ابنیه	دوره ساخت
۱	خانه وکیل الملک	افشار-زند-قاجار	۷	منزل ملایی	اواخر قاجار
۲	خانه آصف	صفوی- قاجار	۸	سرهنگ آزموده	اواخر قاجار
۳	خانه مشیر دیوان	قاجار	۹	خانه معمار باشی	اواخر قاجار اوایل پهلوی
۴	خانه حبیبی	قاجار	۱۰	خانه گله داری	قاجار و پهلوی اول
۵	خانه ملک التجار	اواسط قاجار	۱۱	خانه عرب زاده	قاجار و پهلوی دوم
۶	خانه مجتهدی	اواسط قاجار	۱۲	خانه احمدزاده	پهلوی اول



تصویر ۵. سمت راست: برش خانه وکیل الملک
 ۱: ورودی، ۲: هشتی، ۳: راهرو، ۴: حیاط. سمت چپ: پلان و سلسله‌مراتب ورود به خانه وکیل الملک از در ورودی خانه

- دوره‌ی معماری سنتی (قبل از قاجار تا اواسط قاجار)

خانه وکیل الملک: این عمارت دارای پلانی ساده و درونگرا و مانند بناهای دوره اصفهانی است. اصل ساخت عمارت وکیل را به دوره زندیه ربط می‌دهند که در دوره‌های بعد از تاریخ تکمیل گردیده است. ورودی اصلی دارای در چوبی بزرگی در سمت غرب بوده است که اطراف آن اتاق نگهبانی بوده و ورودی دیگری که این بنا دارد در قسمت کوچه وکیل است. عمارت دارای سه حیاط می‌باشد. ورودی ساختمان جنوبی به گونه‌ای است که ابتدا وارد دالانی شده که از سطح خیابان و حیاط پایین‌تر است (به علت آنکه شخص واردشونده دید مستقیم به درون حیاط نداشته‌باشد).

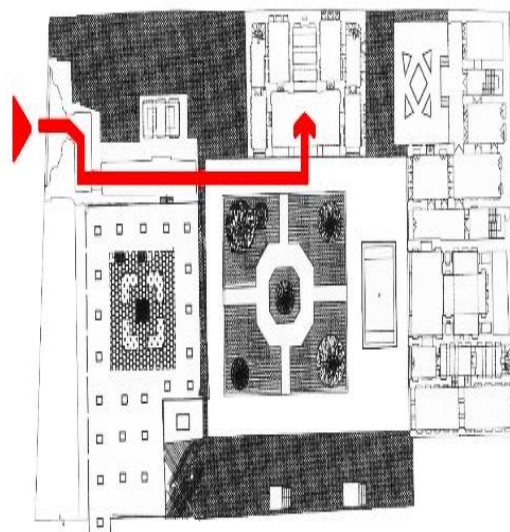
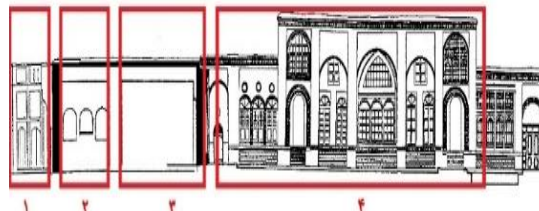


تصویر ۸. سمت راست: برش خانه حبیبی،

۱: هشتی، ۲: دالان، ۳: حیاط و پنج‌دری.

سمت چپ: پلان خانه حبیبی، سلسله‌مراتب ورود به خانه با رنگ قرمز مشخص شده است.

دارد؛ و به محض ورود، وارد هشتی دالان و اتاق قاپچی و نیز بعد از گذشتن از دهلیز وارد فضای حیاط بزرگ از بخش مرکزی که شامل تالار و ایوان ستون‌دار است می‌گردد.



تصویر ۷. سمت راست: برش خانه آصف

۱: ورودی، ۲: هشتی، ۳: راهرو، ۴: حیاط.

سمت چپ: پلان خانه آصف، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه آصف

- دوره‌ی معماری التقاطی (دوره ناصری تا اواخر قاجار)

خانه ملک‌التجار: این بنا که به عمارت ملک‌التجار شهرت دارد مربوط به بعد از اواسط دوره قاجار و از ساختمان‌های خاندان آصف بوده که بعدها توسط خانواده لاجوردی مشهور به ملک‌التجار خریداری شد. این بنا در چهار بخش شمالی، شرقی و غربی و جنوبی احداث گردیده که بخش شرقی آن به هنگام احداث مجمع صنعتی کالا تخریب گردید. بخش شمالی در دو طبقه و زیر زمین به انضمام تالار بزرگی رو به حیاط احداث شده است. بخش غربی نیز در دو طبقه و به سبک هفت دری و سه دری با نمای آجری سبک چپ راست و با استحکام بیشتری ساخته شده است بخش جنوبی که ورودی بنا محسوب می‌شود در دو طبقه که طبقه همکف آن یک هفت دری و طبقه فوقانی آن به صورت یک فضای رو باز به سمت حیاط می‌باشد.

خانه حبیبی (سالار سعید): این عمارت مقارن سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در حدود ۱۵۰ سال پیش توسط یکی از علمای اهل سنت به نام لطف‌اله شیخ‌الاسلام قاضی‌القضاء منطقه کردستان در دو بخش بیرونی (تالار تشریف و زیرزمین یا حوض‌خانه به انضمام فضاهای جنبی و اطاق‌هایی در دو طبقه) و بخش اندرونی (ساختمان دو طبقه شمالی و ساختمان غربی با دو فضای وسیع در اضلاع شرقی و غربی و سردرها) ساخته شده است. مراجعه‌کننده به محض عبور از ورودی خانه حبیبی، وارد هشتی، دالان و اتاق قاپچی می‌شود و نیز بعد از گذشتن از دهلیز وارد فضای حیاط مرکزی شامل تالار و ایوان می‌گردد.

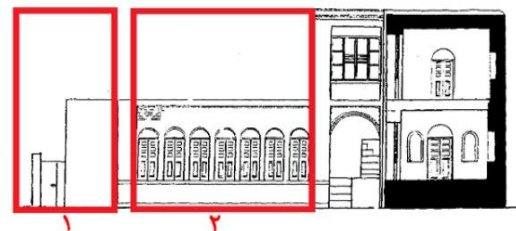
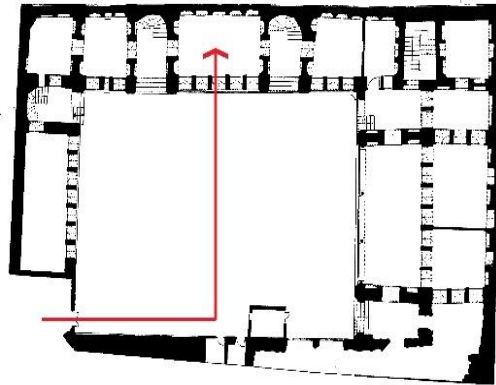


خانه مجتهدی: بنای خانه مجتهدی دارای دو ورودی است که این خانه را با محیط بیرون مرتبط می‌کند و یکی در جبهه‌ی شرقی و دیگری در جبهه غربی ساختمان قرار دارند. داخل حیاط، معماری درون‌گرا و سنتی ایران قابل مشاهده است. از ورودی که به جبهه‌ی شرقی ساختمان نزدیک‌تر است؛ یک راه‌پله به طبقه بالا وجود دارد یک راه ارتباطی به اتاق سه‌دردی و هفت‌دردی و شاه‌نشین نیز قابل مشاهده است. این ورودی با تمام مشخصات در طرف دیگر هفت‌دردی نیز تکرار می‌شود؛ با این تفاوت که به جای راه‌پله ارتباطی به طبقه دوم در این قسمت اتاق دو دری وجود دارد.

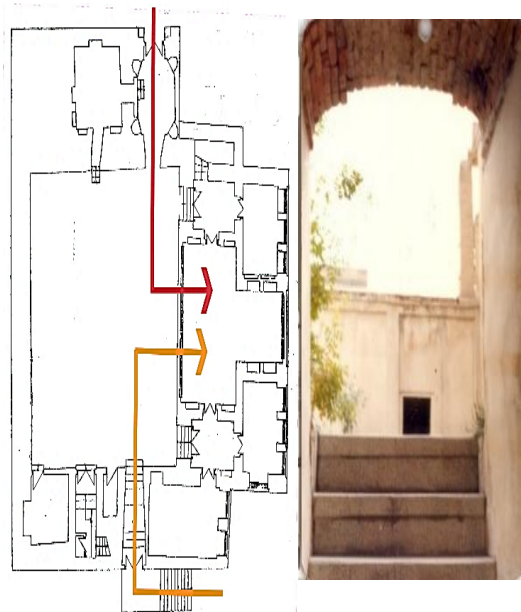
ورودی شرقی: این ورودی با کوچه‌ای فرعی از بافت اصلی خیابان مجزا شده و تقریباً مخفی است؛ و به عنوان ورودی خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ورودی شامل سر دروازه با قوس‌ها و آجرچینی تزئینی می‌باشد؛ و دو سکو در دو طرف در قرار دارند. اولین فضای بعد از ورودی شرقی هشتی است که باعث می‌شود بعد از ورودی مستقیم وارد فضای حیاط نشود.

ورودی غربی: ده پله سنگی با پهنای و ارتفاعی قابل توجه که از بلوار کردستان بالا می‌آید به در آهنی کم ارتفاعی ختم می‌شود. این ورودی عمومی است؛ و در نمای خارجی ساده ولی پس از وارد شدن به فضای دالان و بالا آمدن با ۹ پله در ابتدای ورود به حیاط قوس خنجره‌پوش و تزئینات آجرچینی بالای این قوس مشخص‌کننده‌ی این ورودی در نمای داخلی ساختمان می‌باشد. بعد از ورودی غربی دالان وجود دارد که فضای ارتباطی کم ارتفاع و مسقفی را ایجاد می‌کند که ارتباط ورودی را با حیاط با ۹ پله میسر می‌کند.

منزل ملایی: منزل ملایی از بناهای متعلق به اواخر دوره قاجاریه می‌باشد که سبک معماری و تزئینات وابسته به آن و مصالح بکار گرفته شده در آن، از پیروی بنا از الگوهای معماری اصیل سنتی ایرانی و تا حدی متأثر از معماری مدرن حکایت می‌کند. بنا در چهار ضلع موجود می‌باشد که شاه‌نشین و اتاق‌های دو دری اطراف آن در ضلع شمالی (اصلی) بنا قرار دارد که چهاردردی بودن شاه‌نشین و اتاق‌های دودری از دوره انتقال معماری قاجاریه به پهلوی سخن می‌گوید که ورودی به آن از دو راه‌پله جنبی ایوان تامین می‌شود و دهلیزهای ورودی با قوس از نوع جانجی تند مزین شده است. دو اتاق سه‌دردی با راهرو ورودی وسط ضلع‌های غربی و شرقی بنا را تشکیل می‌دهد که کاملاً مشابه و متقارن می‌باشد.



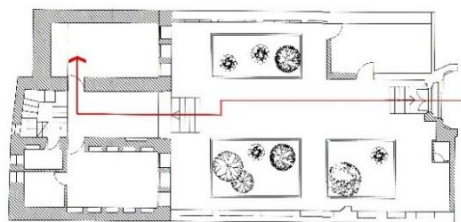
تصویر ۹. سمت راست: برش خانه ملک‌التجار
۱: ورودی، ۲: حیاط. سمت چپ: پلان خانه ملک‌التجار و سلسله‌مراتب ورود به خانه



تصویر ۱۰. سمت راست: پلان خانه مجتهدی.
سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه از ورودی شرقی با رنگ قرمز و ورودی غربی با رنگ نارنجی مشخص گردیده است.
سمت چپ: ورودی غربی به داخل حیاط

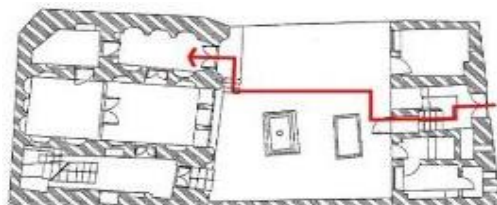
- دوره‌ی پهلوی تا دهه‌ی پنجاه خورشیدی

خانه معمارباشی: این بنا در دوره‌ای ساخته شده‌است که قسمت زیرزمین و حمام مربوط به دوره قاجاریه از ضلع شرقی است؛ اما ضلع غربی پهلوی بازسازی شده که هم از نظر فضاسازی و هم از نظر تزئینات حائز اهمیت است.



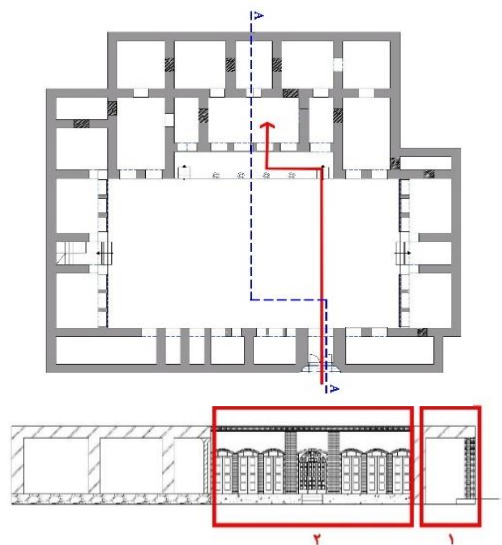
تصویر ۱۳. پلان خانه معمارباشی، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه

خانه گله‌داری: این بنا واقع در محله قطارچیان از شهر سنج عمارت معروف وکیل‌الملک قرار دارد. با توجه به نوع معماری و تزئینات وابسته به آن این ساختمان از بناهای اواخر دوره قاجار است؛ که در اوایل حکومت پهلوی بخش‌هایی به آن افزوده شده و تغییراتی به آن اعمال گشته است. این بنا دارای ۲۰۰ مترمربع مساحت عرصه و اعیان در دو اشکوب با راون شرقی ساخته شده است.



تصویر ۱۴. سمت راست: پلان خانه گله‌داری، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه. سمت چپ: دید مستقیم از ورودی به داخل حیاط و اتاق سهدری

خانه عرب‌زاده: بنا ساختمانی دو طبقه با پلان تقریباً مستطیل شکل با حیاط مرکزی می‌باشد. در مجموع ۱۳ اتاق دارد. بنا دو

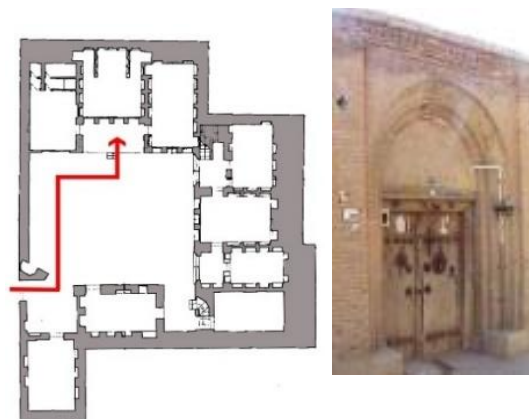


تصویر ۱۱. سمت راست: برش خانه ملایی.

۱: ورودی و دهلیز، ۲: حیاط،

سمت چپ: پلان خانه ملایی، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه

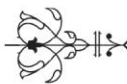
خانه سعادت‌مند: این بنا در اواسط دوره قاجاریه توسط استادکاران بومی و مصالح بوم‌آورد با سبک معماری ایرانی ساخته شده است. این بنا دارای حیاط چهارگوش که در پیرامون حیاط در دو اشکوب و یک اشکوب بناسازی شده که در آن از عناصر معماری ایرانی و بومی مانند سهدری راهرو، سردر ورودی دو لنگه چوب و تزئینات و الحاقات مختص به سردرهای اصیل، سکو ورودی با راون جنوبی-شرقی ساخته شده است.



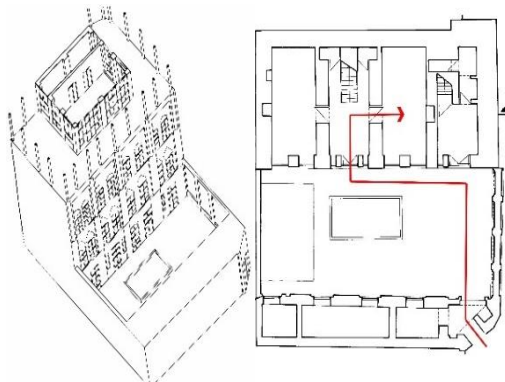
تصویر ۱۲. سمت راست: پلان خانه سعادت‌مند،

سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه با رنگ قرمز مشخص شده است.

سمت چپ: سردر ورودی خانه سعادت‌مند

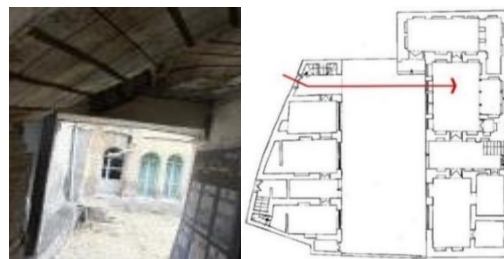


تالار پذیرایی، حوضخانه، بهارخواب، انبار، آشپزخانه، سرویس و حمام کوچک و فضای سبز می‌باشد.



تصویر ۱۵. دید پرنده و پلان خانه احمدزاده، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه

ورودی در جهت شرقی است. ورودی اصلی به داخل بنا در جهت شرقی قرار دارد و راه ورود به حیاط دالانی است که به ارتفاع دو پله از حیاط قرار گرفته‌است.



تصویر ۱۵. سمت راست: دید مستقیم از ورودی به داخل حیاط و اتاق سهدری در خانه عربزاده. سمت چپ: پلان خانه عربزاده، سلسله‌مراتب فضایی ورود

جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

در این مقاله دسترسی از ورودی به اتاق پنج‌دری یا پذیرایی، در این سه دوره معماری مورد کنکاش قرار گرفته است. طبق آنچه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت؛ گونه‌شناسی فضای ورودی و سلسله‌مراتب ورود خانه‌های سنندج در ادوار تاریخی مورد مطالعه در این پژوهش در قالب جداول ذیل ارائه شده است.

خانه احمدزاده: این بنا - که دوره ساخت آن متعلق به اوایل دوره پهلوی است - در چهار اشکوب با طرح و اسلوب معماری ایران و متأثر از معماری آذربایجان و حیاط کوچک و بخش مسکونی و رعایت اصول تقارن و توازن و تعادل در ساخت سازه انجام یافته است؛ و اکنون نیز به‌عنوان یکی از بناهای شاخص این منطقه مورد استقبال اهل فن و معماری و بازدیدکنندگان واقع گشته است. عناصر معماری ایرانی در این بنا شامل حیاط، آبنما،

جدول ۴. الگوهای غالب ارتباط فضایی خانه‌های سنندج (ماخذ نگارندگان)

گونه‌شناسی ورودی و سلسله‌مراتب ورود خانه‌های سنندج					
دوره‌ی معماری معاصر (دهه‌های نخستین دوره‌ی پهلوی به بعد)		دوره‌ی معماری التقاطی (دوره ناصری تا اواخر قاجار)		دوره‌ی معماری سنتی (قبل از قاجار تا اواسط قاجار)	
وجود فضای تقسیم برای ورودی محرمیت نسبی برای فضای خانه ایجاد می‌کند؛ این فضا حداقل به یکی از فضاهای خصوصی مشرف است؛		بعد از فیلتر ورود، فضای تقسیم مرکزی رابط بین فضاهای خصوصی و خدماتی می‌شود.		بعد از ورود فرد با عبور از هشتی (فضای مکث) و دالان به حیاط به عنوان رابط بین فضاهای خصوصی و خدماتی می‌رسد.	
فضای خصوصی	فضای تقسیم	فضای خصوصی	فضای تقسیم	فضای خصوصی	فضای تقسیم
		فیلتر ورودی		فیلتر ورودی	





جدول ۴. جمع‌بندی گونه‌های ورودی و سلسله‌مراتب ورود به خانه‌های سنندج (ماخذ: نگارندگان)

گراف الگوهای ارتباطات فضایی خانه بر اساس سلسله مراتب دسترسی		
دوره‌ی معماری معاصر (دهه‌های نخستین دوره‌ی پهلوی به بعد)	دوره‌ی معماری التقاطی (دوره ناصری تا اواخر قاجار)	دوره‌ی معماری سنتی (قبل از قاجار تا اواسط قاجار)
● پذیرایی	● فضای تقسیم (حیاط) ● فضای خصوصی	● ورودی ● فضای بینابینی

نمونه مطالعاتی، این نتیجه را نشان می‌دهند که سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های دوره‌ی معماری مدرن (اوایل دوره پهلوی) در شهر سنندج اغلب به گونه‌ای است که فضای اتصال میان ورودی و حیاط از طریق اختلاف سطح (پلکان) و یا دالانی کوچک ایجاد شده است؛ که مانع دید مستقیم به حیاط نمی‌گردد. در خانه‌های این دوره مسیر گذر از ورودی به سمت اتاق پذیرایی و یا پنج‌دری از وسط حیاط می‌گذرد و از آن‌جایی که خانه‌ها در این دوره در چند طبقه ساخته شده‌اند؛ برای دسترسی به اتاق‌های پذیرایی در طبقات بالاتر این مسیر از میان فضای خصوصی خانواده می‌گذرد.

نتیجه‌گیری

به منظور بررسی تأثیرات گذار از سنت به مدرنیته بر سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های مسکونی شهر سنندج، ۱۲ بنای مسکونی در طول دوران قاجاریه و پهلوی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت. نتایج این پژوهش به وجود ۳ دوره معماری و به طبع آن سه سبک متفاوت از ساختار سلسله‌مراتب فضایی ورود به این خانه‌ها اشاره دارد. در واقع، بارزترین خصوصیت خانه‌های سنتی، وجود فضاهای حد واسط (میاندر) میان فضای بیرون و درون خانه است. چنین مشخصه‌ای برای دست یافتن به حریمیت، به وجود آمده است و بدین جهت، مراجعین به خانه را در بدو ورود، برای

خانه‌های معماری سنتی: بر اساس بررسی‌های میدانی انجام‌گرفته در مورد خانه‌های وکیل‌الملک، آصف، مشیر دیوان و حبیبی به‌عنوان نمونه مطالعاتی، می‌توان نتیجه گرفت که سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های دوره معماری سنتی (قبل از قاجار تا اواسط قاجار) در شهر سنندج به گونه‌ای است که بعد از گذر از هشتی و دالان وارد حیاط می‌شود؛ و کوتاه‌ترین مسیر را به اتاق پنج‌دری دارد؛ که خود سبب ایجاد مرز میان فضای نیمه‌عمومی (ورودی، حیاط بزرگ و اتاق پنج‌دری پذیرایی) با فضای خصوصی خانواده و فضای خصوصی افراد می‌گردد.

خانه‌های معماری التقاطی: بر مبنای مطالعات و بررسی‌های انجام شده در مورد خانه‌های ملک‌التجار، مجتهدی، ملایی و سعادت‌مند به‌عنوان نمونه مطالعاتی، می‌توان به این نتیجه رسید که سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های دوره‌ی معماری التقاطی (دوره ناصری تا اواخر قاجار) در شهر سنندج اغلب به گونه‌ای است که بعد از ورودی دالان با طول کوتاه وجود دارد که تا حدی دید مستقیم به حیاط مرکزی را محدود می‌نماید که نسبت به معماری سنتی درونگرایی کمتری را به وجود می‌آورد. در این خانه‌ها مسیر گذر از ورودی تا اتاق پنج‌دری و یا پذیرایی از وسط حیاط عبور می‌کند.

خانه‌های معماری مدرن: مطالعات انجام گرفته در مورد خانه‌های معمارباشی، گله‌داری، عرب‌زاده و احمدزاده به‌عنوان



اصلی و گردشی خانه نبوده است؛ و در سازماندهی فضاها نقشی ندارد. آنچه به وضوح قابل مشاهده است تغییر نظام دسترسی به فضای باز است؛ نقش حیاط از فضاهای خصوصی سکونت رفته رفته حذف و تبدیل به فضای نیمه خصوصی و بعضاً عمومی شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از نقش‌های پیشین خود را از دست داده است. سازماندهی خانه‌ها در دو سوی خیابان و کوچه به گونه‌ای است که حیاط را تبدیل به یک فضای محصور می‌کند و محل رفت و آمد ساکنین آن از درون به بیرون است و بخشی از آن را برای گذر خودرو به پارکینگ اختصاص می‌دهند.

سلسله‌مراتب فضایی از جهت درجه پوشیدگی (باز، نیمه‌باز و بسته)، اگرچه در خانه‌های جدید وجود دارد؛ اما به لحاظ کمی و کیفی افت چشمگیری داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان از فضای نیمه‌باز چشم پوشید. اصل تدرج و سلسله‌مراتب حرمتی (فضای کاملاً عمومی، فضای نیمه‌عمومی، فضای کاملاً خصوصی) در آن دیده نمی‌شود و ارتباط از بیرون به درون ساختمان و یا فضاهای داخلی به طور مستقیم و بلاواسطه است. در این دوران تمایل به نزدیک کردن فضای خصوصی و عمومی دیده می‌شود و مرز میان زندگی خصوصی افراد و زندگی بیرونی آنها به اهمیت سابق نیست. ورودی خانه‌ها مستقیم به سالن و اتاق‌ها ختم می‌شود و هر مکان فقط قابل استفاده در مورد خاص می‌باشد و امکان گسترش فضایی وجود ندارد. بر این مبنا در نظر گرفتن فضای بینابینی یا میاندر در معماری خانه‌ها، علاوه بر ایجاد حریمیت، موجب پهنه‌بندی فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی گشته و از ایجاد آشفته‌گی در عملکرد سایر فضاها جلوگیری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از واژه‌ی «گذار» تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر است؛ که طی زمان روی می‌دهد؛ و موجب هست شدن موجودیت‌های نو و دگرگونی در بسیاری از هویت‌های موجود می‌گردد (ابراهیمی و اسلامی ۱۳۸۹، ۴).

۲. Georgiou

۳. Nooraddin

۴. Ramaswamy

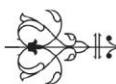
گذار از خارج بنا به داخل و برعکس آماده می‌نماید. برای حفظ حریمیت فضای خصوصی افراد داخل خانه، سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های سنتی به گونه‌ایست که از ورودی خانه به عمومی‌ترین بخش خانه رسید.

در خانه‌های اوایل دوران قاجار تا اوایل دوره ناصری، ساختار سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه، شامل درگاه ورودی، هشتی، دالان و حیاط است که در کوتاه‌ترین مسیر به اتاق پنج‌دری (مهمان) می‌رسد. این الگو علاوه بر استفاده از طیف گوناگونی از فضاهای متباین، موجب ایجاد حریم خصوصی برای ساکنان این ابنیه می‌شود. چنین سلسله‌مراتبی در ورودی خانه‌های دوره ناصری تا اواخر قاجار، اغلب به گونه‌ای است که بعد از ورودی، دالان با طول کوتاه وجود دارد که تا حدی دید مستقیم به حیاط مرکزی را محدود می‌نماید و نسبت به معماری سنتی درونگرایی کمتری را به وجود می‌آورد. در این خانه‌ها مسیر گذر از ورودی تا اتاق پنج‌دری و یا پذیرایی از وسط حیاط عبور می‌کند. در دوران پهلوی، پس از گذر از درب ورودی، فضای حدواسط کمتری برای فضای خصوصی خانه مشاهده می‌شود. سلسله‌مراتب فضایی ورود به خانه‌های دوره‌ی معماری مدرن (اوایل دوره پهلوی) در شهر سنجند اغلب به نحوی است که سیرکلاسیون ورود به حیاط از طریق اختلاف سطح (پلکان) و یا دالانی کوچک ایجاد شده است؛ که مانع دید مستقیم به حیاط نمی‌گردد. در خانه‌های این دوره مسیر گذر از ورودی به سمت اتاق پذیرایی مهمان از وسط حیاط می‌گذرد و از آنجایی که خانه‌ها در این دوره در چند طبقه ساخته شده‌اند؛ برای دسترسی به اتاق‌های پذیرایی در طبقات بالاتر این مسیر از میان حریم خصوصی خانواده می‌گذرد.

طبق تحلیل‌های انجام شده بر روی خانه‌های ساخته شده در طول دوران قاجار و پهلوی اول این نتیجه حاصل می‌شود که خانه‌های دوره‌ی قاجار شهر سنجند هنوز عناصر سنتی خود را حفظ کرده و معماری سنتی هنوز رنگ نابخاشته است. در خانه‌های سنتی، حیاط یا میانسرا به‌عنوان عنصر اصلی سازماندهی فضا در فصول مختلف، فضای اصلی و گردشی خانه به شمار می‌آمده است و همچنین وحدت‌دهنده فضاهای مختلف خانه است و حریم‌ها و محدوده مورد تملک فضایی را معین می‌نماید. در خانه‌های جدید شکل گرفته در دوره پهلوی سنجند، حیاط دیگر به‌عنوان فضای

منابع

۱. ابراهیمی، سمیه، و سید غلامرضا اسلامی. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار. هویت شهر ۴ (۶): ۳-۱۴.
۲. اردلان نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه‌ی حمید شاهرخ. اصفهان: خاک.
۳. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۹. *الگوهای استاندارد در معماری*. ترجمه‌ی فرشید حسینی. تهران: مهرآزان.
۴. پاکدامن، بهروز. ۱۳۷۶. نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایش‌های معماری تهران. کتاب تهران، ج ۵-۶. تهران: روشنگران.
۵. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۹۰. *آشنایی با معماری اسلامی ایران: ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری*. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۶. پیوسته‌گر، یعقوب. علی‌اکبر حیدری، و مطهره اسلامی. ۱۳۹۶. بازشناسی اصول پنج‌گانه استاد پیرنیا در معماری خانه‌های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی مطالعه موردی: خانه‌های شهر یزد. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۷ (۳۷): ۵۱-۶۶.
۷. حاجی‌قاسمی، کامبیز (زیر نظر). ۱۳۷۵. *گنج‌نامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر اول و چهارم و ششم، خانه‌های کاشان و اصفهان و مساجد*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۸. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.
۹. حسینی فسایی، حسن. ۱۳۷۸. *فارسانه ناصری*. تهران.
۱۰. حق‌جو، امیر. حسین سلطانزاده، فرهاد تهرانی، و سیمون آیوزیان. ۱۳۹۸. سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره‌ی قاجار تا اواخر دوره‌ی پهلوی دوم. ص ۲۹ (۳): ۱۲۲-۱۴۰.
۱۱. رفیعی سرشکی، بیژن، ندا رفیع‌زاده، و محمد علی رنجبر کرمانی. ۱۳۸۱. *فرهنگ مهرآزی*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۲. زارعی، محمد ابراهیم. ۱۳۸۳. *عمارت آصف (خانه‌ی کرد) موزه‌ی مردم‌شناسی کردستان*. فرهنگ کردستان (۱۹): ۸۱-۱۰۷.
۱۳. _____ . ۱۳۹۰. معرفی سه خانه به سبک معماری درون‌گرا در دوران صفوی و قاجار در شهر سنندج. *مجموعه‌ی مقالات همایش ملی هنر اسلامی*. دانشکده‌ی هنر دانشگاه بیرجند.
۱۴. _____ . ۱۳۹۰. ویژگی‌های معماری و آرایه‌های عمارت خسروآباد سنندج. *پیام باستان‌شناس* (۱۶): ۱۲۷-۱۵۳.
۱۵. _____ . ۱۳۹۲. *آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان*. تهران: سبحان نور.
۱۶. سلطانزاده، حسین. ۱۳۷۳. *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۷. سلیمانی، سارا، صلاح‌الدین مولانایی، مرتضی سلیمانی، و نرگس فتاحی. ۱۳۹۶. بازخوانی الگوهای خانه‌های بومی و سنتی سنندج و میزان کارکرد آن با اقلیم (نمونه موردی: خانه‌ی احمدزاده و خانه‌ی آصف)، در *چهارمین کنفرانس بین‌المللی معماری و شهرسازی پایدار*.
۱۸. سیفیان، محمد کاظم؛ محمودی، محمدرضا. ۱۳۸۶. *محرمیت در معماری سنتی ایران، فصلنامه هویت شهر*، شماره ۱، ص ۳-۱۴.
۱۹. شاهینی، وحیده، فهیمه صادقی، و میثم مهدی‌زاده. ۱۳۹۳. *سلسله‌مراتب فضایی معماری سنتی ایران و بررسی جایگاه آن در مسکن‌های امروزی*، در *اولین همایش ملی معماری مسکونی*، ملایر.
۲۰. عمرانی‌پور، علی. ۱۳۸۴. *هنر و معماری اسلامی ایران، یادنامه‌ی استاد لطیف ابوالقاسمی*. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری.
۲۱. فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۷۱. *تدوین شکل و دشواری‌های معماری معاصر ایران*. *هنرهای زیبا* (۸): ۲۵-۳۴.



۲۲. کلیائی، وحید. ۱۳۹۳. *تأملی در صورت معماری خانه‌های قاجاری سنج*، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، بهمن.
۲۳. کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله‌ی معاصر ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۴. محمدزاده چیا، الهام. ۱۳۹۴. *التقاط‌گرایی در معماری ایران (مطالعه موردی: خانه‌های خوانین ماکو در دوره قاجاریه)*. در همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، دوره ۱. دانشگاه آزاد. واحد تهران مرکزی.
۲۵. منتظر، مریم. ۱۳۹۳. *بررسی تأثیرات دوره گذار از سنت به مدرن (نوگرایی) در شکل‌گیری معماری مسکونی شیراز و ترنیتات وابسته به آن*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر. دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.
۲۶. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری تهران*. تهران: دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۷. هاشمی، سید رضا. ۱۳۷۵. *معماری خیابان‌آبادی (۲۰): ۲-۱۰*.

References

1. Alexander, Christopher. 2010. *Standard Patterns in Architecture*. Translated by Farshid Hosseini. Tehran: Mehrazan.
2. Ardalan, Nader, and L. Bakhtiyar. 2001. *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. Translated by Hamid Shahrokh. Isfahan: Khak.
3. Ebrahimi, S., and S. Islami. 2010. Architecture and Urban Planning During Transmission Era. *Hoviatshahr* 4(6): 3-14.
4. Flamaki, M. 1992. Codification of the Form and Difficulties of Contemporary Iranian Architecture. *Honar-ha-ye-Ziba* (8): 25-34.
5. Georgiou, M. 2006. *Architectural Privacy: A Topological Approach to Relational Design Problems*. Unpublished Master of Science, Bartlett School of Graduate Studies. University College London.
6. Haeri Mazandarani, M. 2010. *House, Culture, Nature: A Study of the Architecture of Historic and Contemporary Houses in Order to Develop a Process and Criteria for Designing a House*. Tehran: Architecture and Urban Planning Research Center.
7. Haji Ghasemi, K. 1996. *Ganjnameh: Culture of Islamic Architecture of Iran, First, Fourth and Sixth Volume, Kashan, Isfahan Houses and Mosques*. Tehran: Shahid Beheshti University.
8. Haqjoo, A. H. Sultanzadeh, F. Tehrani, and S. Ayvazian. 2019. The Development of Essential Elements of Tabriz Houses from Qajar to Early Pahlavi Era. *Soffeh* 29(3): 122-140.
9. Hashemi, Reza. 1996. Street Architecture. *Abadi* (20): 2- 10.
10. Hosseini Fasaie, H. 1999. *Farsnameh Naseri*. Tehran.





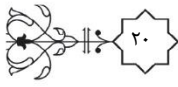
11. Keliyai, V. 2014. *A Reflection on the Architecture of Qajar Houses in Sanandaj*. Thesis for Receiving a Master's Degree in the Field of Iranian Architectural Studies, Shahid Beheshti University. February.
12. Kiani, M. 2004. *Architecture of the First Pahlavi Era: Transformation of Thoughts, Origin and Formation of Architecture of the Contemporary Twenty-Year Period of Iran 1320-1399*. Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History.
13. Mohammadzadeh Chianeh, E. 2015. *Eclecticism in Iranian Architecture (Case Study: The Houses of Khawanin Mako in the Qajar Period)*. National Conference on Indigenous Architecture and Urban Planning of Iran, Vol1. Azad University. Central Tehran Branch.
14. Montazer, M. 2014. *Investigating the Effects of the Transition from Tradition to Modernity (Modernity) in the Formation of Residential Architecture in Shiraz and Related Decorations*. Master Thesis in Art Research. Faculty of Art and Architecture, Shiraz University.
15. Noghrekar, A. 2008. *An Introduction to Islamic Identity in Tehran Architecture*. Tehran: Office of Architecture and Urban Design of the Ministry of Housing and Urban Development.
16. Nooruddin, H. 1998. Al-Fina', In-Between Spaces as an Urban Design Concept: Making Public and Private Places Along Streets in Islamic Cities of the Middle East. *Urban Design International* 3(1-2): 65-77.
17. Omranipour, A. 2005. *Iranian Islamic Art and Architecture: Memoirs of Professor Latif Abolghasemi*. Tehran: Urban Development and Improvement Organization.
18. Pakdaman, B. 1997. A Brief Look at the Architectural Methods and Trends of Tehran. *Tehran Book*. Tehran: Roshangaran.
19. Peyvastehgar, Y., A. Heydari, and M. Islamic. 2017. Recognition of Master Pirnia's Five Principles in the Architecture of Traditional Iranian Houses and Its Analysis Based on Islamic Belief Sources Case Study: Houses in Yazd. *Islamic Iranian City Studies* 7 (27): 51– 66.
20. Pirnia, M. 2011. *Introduction to Islamic Architecture in Iran: Inner and Outer City Buildings*. Edited by Gholam Hossein Memarian. Tehran: Iran University of Science and Technology.
21. Rafiei Sarshaki, B., N. Rafizadeh, and M. Ranjbar Kermani. 2002. *Mehrazi Dictionary*. Tehran: Building and Housing Research Center.
22. Ramaswamy, D. 2005. *Thresholds and Transitions: In between the Public and Private Realm*. Masters' Thesis. Virginia Tech University.
23. Seifian, M. Mahmoodi, M. 2007. Confidentiality in Traditional Iranian Architecture. *Hoviateshahr* (1): 3-14.
24. Shahini, W., F. Sadeghi, and M. Mehdizadeh. 2014. Spatial Hierarchy of Traditional Iranian Architecture and Its Place in Modern Housing. In *the First National Conference on Residential Architecture*. Malayer.





25. Soleimani, S., S. Maulana, M. Soleimani, and N. Fattahi. 2017. Review of the Patterns of Indigenous and Traditional Houses of Sanandaj and Its Function with Climate (Case Study: Ahmadzadeh House and Asef House). In *4th International Conference on Sustainable Architecture and Urban Planning*.
26. Sultan Zadeh, H. 1993. *Entrance Spaces in Traditional Iranian Architecture*. Tehran: Cultural Research Office.
27. Zarei, M. 2004. Asif Mansion (Kurd's House) Museum of Anthropology Kurdistan. *Culture of Kurdistan* (19): 81-107.
28. _____. 2011. Introductions Three Houses Introverted Style During the Safavid and Qajar in Sanandaj. In *Proceedings of the National Conference on Islamic Art*. Faculty of Art, Birjand University.
29. _____. 2012. Architectural Properties and Decorations in Khosrowabad Mansion at Sanandaj. *Payame Bastanshenas* (16): 127-162.
30. _____. 2013. *Ancient Cultural and Historical Monuments in Kurdistan Province*. Tehran: Subhan Noor.





**Transition period, spatial hierarchy, house entrance,
Qajar architecture, Pahlavi architecture, privacy**

Khaled Azizzadeh

phd student, Islamic Azad University - Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Salahadin Molanai

Assistant professor, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran

Corresponding author: s.molanai@uok.ac.ir

Lida Balilan Asl

Assistant professor, Islamic Azad University - Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Received: 16/03/2021

Accepted: 26/11/2021

Abstract

The period spanning middle of Qajar era to the first decade of Pahlavi is a part of Iran contemporary architecture which is influenced by inevitable alterations caused by modernity. Modern forms and figures have gradually changed spatial hierarchy of houses and their structure and consequently have led to a combinational style. A brief survey of spaces and chief elements of traditional houses of Sanandaj demonstrates these changes quite well. This paper tries to shed light on the prevalent style of spatial hierarchy of house entrances in transitional time period from tradition to modernity in Sanandaj. This research has been conducted using a theoretical approach and by a historical-interpretational method. In theoretical part, a qualitative approach is adopted and considering the literature history, effective factors on spatial quality evaluations are analyzed. The practical part of the research is carried out in two phases and by taking case studies under account. In this viewpoint, the theoretical part is firstly a brief appraisal of the architecture of the historical eras of Qajar and Pahlavi, evolution criteria and social revolutions of those periods as well. Moreover, assessment of houses based on historical periods has been done utilizing field studies, local survey, photography, house plan depicting and existing documents and plots. Secondly, based on acquired field and librarian information, all qualified houses for this research are compared and analyzed to attain a comprehensive understanding of their entrance spatial hierarchy. Findings of the research indicate that there has been a hierarchy in entrance of houses with traditional architecture pertinent to the needs of residents which is neglected to some extent by the designers in Pahlavi period. In conclusion it is admitted that by intermediate spaces, alongside the provision of confidentiality, it would be possible to achieve a proper definition of private and semi-private spaces in houses. Furthermore, disruption in functions and entities of other spaces could be avoided, which in turn leads to introducing a pattern for obtaining confidentiality; an inseparable principle of entity in Iranian architecture and culture.

Keywords: transition period, spatial hierarchy, house entrance, Qajar architecture, Pahlavi architecture, privacy

